

## **A Survey of Cultural Policies in the People's Republic of China**

Mohammad Javad Badinfekr \*

Received: 2019/06/12

Accepted: 2019/07/25

### **Abstract**

China has always been considered one of the world's civilization and cultural poles in history. The historical developments, especially from mid-twentieth century onward, however, put their impact on the country's cultural domain. Decades after the new developments, mostly resulted from the communist revolution there, the country is now ranked second in the matter of best economy and it is among the most important producers of cultural and media products. This has made it necessary to have an eye on China's cultural and communicative issues in order to understand modern world where the power equilibrium is speedily changing. This article first reviews the historical and political process of china since ۱۹۴۹, i.e. Mao's Communist Revolution, and then it deals with the cultural policies transformation there and their consequent cultural and media regulations.

**Keywords:** China- cultural Politics- Cultural Revolution- communist Revolution- cultural regulations- Traditional Culture

---

\* M.A. student of Islamic Studies, Culture and Communication, ISU m.j.badini<sup>V</sup>@gmail.com

## بررسی سیاست‌های فرهنگی در جمهوری خلق چین

محمدجواد بادین فکر\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۸

### چکیده

کشور چین همواره یکی از قطب‌های فرهنگی و تمدنی جهان در طول تاریخ به حساب می‌آمده است؛ اما به علت رخ دادن تحولات تاریخی به خصوص از نیمه قرن ۲۰، سیاست‌ها و مسائل فرهنگی این کشور دستخوش تغییرات گسترده‌ای شد. با گذشت چند دهه از تحولاتی که مشخصاً با انقلاب کمونیستی در این کشور هم‌خوان بوده است، اکنون چین به عنوان دومین اقتصاد جهان و از مهمترین تولیدکنندگان صنایع فرهنگی و رسانه‌ای می‌باشد. لذا برای فهم دنیای جدید که در آن معادلات قدرت به سرعت در حال تغییر است، شناخت مسائل فرهنگی و ارتباطی چین الزامی می‌باشد. در این مقاله پس از بررسی روند تاریخی و سیاسی این کشور از سال ۱۹۴۹ یعنی انقلاب کمونیستی مائو به دگردیسی سیاست‌های فرهنگی در این کشور و سپس برخی مقررات و خط‌مشی‌های فرهنگی و رسانه‌ای آن می‌پردازیم.

**واژگان کلیدی:** چین، سیاست فرهنگی، انقلاب فرهنگی، انقلاب کمونیستی، مقررات

فرهنگی، فرهنگ سنتی

---

\* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده

m.j.badini74@gmail.com

مستول).

## مقدمه

چین، جامعه‌ای پر از تضاد و تعارض است. جمهوری چین از سال ۱۹۱۱ یعنی پایان امپراتوری چین که سلسله چینگ می‌باشد، شروع و تا سال ۱۹۴۹ میلادی که انقلاب چین آغاز می‌شود و چین جدید از این دوره ریل‌گذاری می‌شود، ادامه می‌یابد. از انقلاب ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۸ و سپس تا سال ۲۰۰۰ چین یک کشور نیمه مستقلی است که مدام تحقیر می‌شود. تا قبل از انقلاب ۱۹۴۹ بخشی از کشور چین تحت حاکمیت ژاپن، آلمان، فرانسه، پرتغال و بخش اعظمی از آن در اختیار انگلستان بود. با این حساب تصور اینکه چین روزی یک قدرت جهانی شود، محال بوده است؛ درحالی که کشوری است که دومین اقتصاد دنیا را در اختیار خود دارد. لذا برای فهم چین نیازمند به یک بررسی و تقسیم‌بندی تاریخی هستیم. بی‌شک توضیح تاریخ چند هزار ساله چین و ابعاد هویتی و فرهنگی آن از عهده این نوشتار خارج است. فرهنگی غنی با انواع و اقسام نمادها و نشانه‌های فرهنگی که همواره مورد توجه اقوام و ملل بوده است. از همین رو به سراغ توضیح بخشی از تاریخ این کشور می‌رویم که منشا ایجاد چین نوین و امروزی بوده است و فرآیند جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ چینی را ایجاد کرده است. لذا این دوره‌های تاریخی را از سال ۱۹۴۹ میلادی که انقلاب کمونیستی در آن رخ داد، بررسی می‌کنیم. همچنین علاوه بر توضیح سیاست‌های کلان فرهنگی چین در طی چند دهه گذشته به برخی از میراث سنتی چین هم نگاهی خواهیم داشت.

لازم به ذکر است که روش اتخاذ شده برای این پژوهش روش تحقیق کتابخانه‌ای است. به این معنا که کتاب‌ها و مقاله‌های مرتبط با بحث ابتدا جمع‌آوری و سپس فیش‌برداری انجام شده است. در نهایت با ایجاد یک پیکره تحلیلی فیش‌ها در یک رابطه منطقی و تحلیلی کنار هم قرار داده می‌شوند. همچنین باید اشاره کنیم که در ایران پژوهش‌های زیادی در خصوص سیاست‌های فرهنگی چین انجام نگرفته و تعداد متون تالیفی بسیار محدود است و مشخصاً مقاله یا پایان‌نامه‌ای مستقیماً به موضوع سیاست‌های فرهنگی چین نپرداخته است. شاید نزدیک‌ترین متن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مایلی (۱۳۹۷) در

رشته علوم سیاسی بوده است. عنوان این پایان‌نامه به این قرار است: «نقش ابزارهای فرهنگی در گسترش سیاست‌های بین‌المللی قدرت‌های بزرگ از ۱۱ سپتامبر تا کنون؛ مطالعه مقایسه‌ای: آمریکا، چین» پرسش اصلی این است که نقش ابزارهای فرهنگی در گسترش سیاست‌های بین‌المللی قدرت‌های بزرگ از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا کنون چگونه است؟

این پژوهش که بر اساس نظریه امپریالیسم فرهنگی استوار است، به این نتیجه می‌رسد که آمریکا با اجرای چندین دهه سیاست‌های فرهنگی و استفاده از انواع ابزارهای فرهنگی در گسترش قدرت نرم خود، تاکنون موفق‌ترین قدرت بزرگ جهان بوده است؛ ولی از سوی دیگر، چین در سه دهه اخیر با برنامه‌ریزی‌های دقیق و گسترده در سراسر جهان تلاش دارد جایگاه آمریکا را در تمامی حوزه‌ها به دست آورد. این پژوهش که بر اساس روش‌های تحلیلی و کتابخانه‌ای انجام شده است با بررسی منابع متنوعی، بیشتر به جنبه‌های دیپلماسی عمومی و عناصر قدرت نرم چین و آمریکا پرداخته و در حوزه علوم سیاسی جایگاه ویژه‌ای دارد. تمایز این پژوهش تأکید بیشتر بر عناصر داخلی فرهنگی و رسانه‌ای چین در کنار عناصر قدرت نرم در دیپلماسی عمومی چین است.

#### ۱. سیاست‌های کلی فرهنگی چین از زمان انقلاب کمونیستی سال ۱۹۴۹ میلادی:

ملت چین همچون بسیاری از ملت‌های دیگر، با وجود داشتن تاریخی کهن و فرهنگ و تمدنی غنی، قرن بیستم را با دشواری‌های زیاد آغاز کرد که فرسودگی امپراتوری چند هزارساله و ظهور قدرت‌های سیاسی و اقتصادی جدید از عوامل اصلی آن بودند. در اوایل قرن، مردم به ستوه آمده از ظلم و ستم دربار چینگ، به رهبری دکتر سون یاتسن بساط امپراتوری را از این کشور برچیدند. ولی تحولات سریعی که دنیا را فراگرفته بود برای جبران عقب‌ماندگی چین تغییراتی فراتر از سقوط امپراتوری را طلب می‌کرد. بر همین اساس روشنفکران و رهبران انقلابی چین با الهام‌گیری از انقلاب کمونیستی اتحاد

جماهیر شوروی راه برون‌رفت از اوضاع فلاکت‌بار میلیون‌ها دهقان و روستانشینان فقیر را استقرار نظام سوسیالیستی دانستند. آنها به رهبری مائو پس از چند دهه تلاش در سال ۱۹۴۹ با پیروزی بر نیروهای ملی ژنرال چیان کای چک، حاکمیت حزب کمونیست چین را در کشور برقرار ساختند. (سابقی، ۱۳۸۸، صص. ۴-۵). به عبارتی سال ۱۹۴۹ سالی است که انقلاب سوسیالیستی همانند شوروی در چین اتفاق افتاد و چین با وسعت سرزمینی که داشت حاکمیت خود را با ایدئولوژی کمونیستی انتخاب کرد.

#### ۱-۱. دوره اول از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۸:

رهبر این انقلاب آقای مائو بود. این انقلاب از دل درگیری‌ها بین دو جناح ملی‌گرایان و کمونیست‌ها به وجود آمد. و در آن زمان دولت در اختیار ملی‌گرایان بود. اما چون مائو یک تئورسین نظامی بسیار قوی بود باعث شد تا بر ملی‌گرایان غلبه کند. انقلاب کمونیستی به مردم وعده می‌داد که به کشاورزان زمین برای کشت بدهد و برای کارگران در صنایع کوچک اما در حال رشد چین شرایط بهتری فراهم آورد. از ۱۹۲۱ حزب کمونیست چین به رهبری مائو تسه تونگ قول می‌داد که حرکت رو به زوال چین را متوقف کند، کشور را از تسلط بیگانگان آزاد سازد و از شر حکومت فاسد رها کند. تا اینکه در سال ۱۹۴۹ مائو و دوستانش توانستند انقلاب را به ثمر نشانند (پیتروزا، ۱۳۸۵، صص. ۵-۶).

با وجود جنگ سرد و تحریم و قطع مراودات با دنیای غرب و همچنین بی‌مهری برادر بزرگ‌تر (شوروی) چین دچار بحران، فقر، فلاکت و قحطی و رکود شدید اقتصادی شد. دولت‌مردان چین برای برون‌رفت از این بحران به فکر چاره‌جویی افتادند. لذا در اواسط دهه شصت، با غلبه نیروهای افراطی چپ در درون حزب کمونیستی و تشکیل باند چهار نفره به رهبری همسر مائو، جنبش جدیدی به نام «انقلاب فرهنگی» آغاز شد (سابقی، ۱۳۸۸، ص. ۵).

بیش از یک دهه انقلاب کمونیستی در چین برپا شده بود، در سال ۱۹۶۵ جنگ قدرت بسیار شدیدی در چین آغاز شد که تقریباً یک دهه دوام آورد و در ۱۹۶۶ رهبری چین رسماً نام انقلاب فرهنگی را بر آن نهاد. مائو تلاش کرد، از طریق انقلاب فرهنگی توده‌ها، دهقانان، کارگران و به ویژه دانشجویان و دانش‌آموزان دبیرستانی را علیه دشمنانش در حزب کمونیست و دستگاه دولتی بسیج کند. مخالفان مائو از جمله لیو شائوچی، دنگ شیائوپینگ و پیروانشان علی‌رغم نفوذ یا مقام بالایشان، افشا و از کار برکنار شدند (پیشرو، ۱۳۹۴، ص. ۸).

اما ریشه این جنگ قدرت چه بود؟ مائو در طرحی به نام «جهش بزرگ به پیش» به موفقیت‌های قبلی حزب رضایت نداد و خواست تا برنامه اقتصادی رادیکالی برای سرعت بخشیدن به حرکت رشد اقتصادی به راه بیندازد. برنامه مائو طرح‌ریزی شده بود تا جمهوری خلق را در ظرف پانزده سال به سطح اقتصادی بریتانیا برساند. مائو وعده داد که تولید فولاد چین را سه برابر کند و همچنین ۲۶ هزار کمون خلق تأسیس کند. این کمون‌ها را، که حدود پنج هزار خانواده دربرمی‌گرفتند، مقامات محلی حزبی اداره می‌کردند که زمین دهقانان را تحت نظارت خود داشتند و آن‌ها را مجبور به اقامت در خوابگاه‌های دارای آشپزخانه‌های مشترک و مراکز مراقبت روزانه می‌کردند. کمون‌ها دهقانان را از مالکیت خصوصی پایه نظیر خانه و احشام محروم می‌کردند. نهایتاً طرح مائو فاجعه‌بار بود. نتیجه قحطی فراگیر بود که به بهای جان میلیون‌ها انسان تمام شد و بیش از دو قحطی بزرگ چین در گذشته از ۱۸۶۹ تا ۱۸۷۹ (که زمانی بدترین قحطی تاریخ تلقی می‌شد) و از ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۹ (که به بهای جان حدود بیست میلیون نفر تمام شد) قربانی گرفت. کارشناسان بر این نظرند که بین ۲۷ تا سی میلیون چینی در نتیجه قحطی ناشی از «جهش بزرگ به پیش» مائو جان باختند (همان، صص. ۲۷-۲۹).

این اشتباه بزرگ مائو و شکست طرح باعث شد تا عناصر اصلی در رأس رهبری جمهوری خلق چین دیگر به انقلاب او اعتقاد نداشتند. در نوامبر ۱۹۵۸ دیگر رهبران چین شروع به بازگرداندن زمین و اموال شخصی دهقانان کردند. اعضای حزب

کمونیست چین در نظر داشتند بخش مهمی - اما نه همه - قدرت مائو را از او بگیرند. اما مائو به مشارکت در قدرت علاقه‌ای نداشت. او همه آن را می‌خواست. (همان، صص. ۳۰-۳۱)

دسیسه چینی و جنگ قدرت در نتیجه این ماجرا افزایش یافت و مائو کمی از صحنه کنار کشیده شد. اما همچنان صدر حزب بود و در عین حال از تقسیم قدرت میان خود و دیگر اعضای حزب ناخرسند بود. او می‌خواست بار دیگر فرمانروای مطلق چین باشد. همچنین لیو شائو چی به نوعی رئیس جمهور و مسئول سیاست‌های اجرایی کشور شده بود. عاملان مائو برای سلب کردن قدرت از لیو به صورت پنهانی این تفکر را ایجاد کردند که او به دنبال وارد کردن سرمایه‌داری به چین است در حالی که این طور نبود. در نتیجه در دهه ۱۹۶۰ رقابت بین مائو و لیو به انقلاب بزرگ فرهنگی پرولتاریایی منجر شد و از درون حزب کمونیست به کل جامعه چین سرایت کرد. انقلاب فرهنگی به زودی به خشونت عوامانه در ابعادی بی‌سابقه تنزل یافت و چین را در آشوبی فزاینده فرو برد. مائو علاوه بر اینکه تلاش کرد تا از طریق گارد و ارتش سرخ برای سرکوب یا کودتا استفاده کند به منظور ایجاد مزاحمت برای رقیبانش تلاش کرد تا ناآرامی دانشجویی برپا کند. دانشجویان چینی مشتاق بودند نیروهای ضربتی مورد نیاز مائو را برای ایجاد آشوب و هرج و مرج تأمین کنند (پیتروزا، ۱۳۸۵، صص. ۵۹). مقامات حزب تنها کسانی نبودند که هدف حملات گارد سرخ و شهروندان تازه به قدرت رسیده قرار گرفتند، بلکه بسیاری از مردم عادی انگ ضد انقلابی و دشمن طبقاتی خوردند و مورد آزار، شکنجه و قتل قرار گرفتند. گروهی به «گاو دانی» رانده شدند - زندان‌هایی که به اردوگاه کار بدل شده بودند - تا کار اجباری انجام دهند و رسالات مائو را حفظ کرده و به طور مرتب مورد ضرب و شتم قرار بگیرند (گریفتس، ۲۰۱۶).

این جنبش پس از یک دهه نه تنها به حل مشکلات و بهبود وضعیت سیاسی-اقتصادی و اجتماعی کمکی نکرد، بلکه باقیمانده توان ملت و دولت را کاهش داد و به

ورشکستگی کامل افکار و نظام دولت انقلابی منتهی شد. هم اکنون همگی این دهه (دهه انقلاب فرهنگی) را سیاه‌ترین دوران تاریخ چین معاصر می‌نامند. اگرچه اهداف دست اندرکاران انقلاب فرهنگی در واقع اعتلای همه‌جانبه جامعه چین و جبران عقب‌ماندگی‌ها بود، ولی راهکارهایی که برای رسیدن به این هدف انتخاب کرده بودند، اشتباه و در تضاد با فرهنگ دیرپای چین بود (سابقی، ۱۳۸۸، ص. ۵).

اگرچه در اوایل دهه ۱۹۷۰ تلاش‌هایی برای کنترل آشوب و بازگشت کشور به حالت عادی صورت گرفت، ولی در حقیقت انقلاب فرهنگی با مرگ مائو در ۹ سپتامبر ۱۹۷۶ پایان پذیرفت. جانشین مائو، هوآ گونگ که از طرف ارتش پشتیبانی می‌شد، دستور داد تا گروه چهار نفره را دستگیر کنند و افراد معتدلی چون دنگ شیائوپینگ را وارد میدان کرد.

در سال ۱۹۷۸ دنگ رهبر بلندمرتبه شد، او و حامیانش سیاست‌های انقلاب فرهنگی را منقضی کرده و گشایش اقتصادی چین را رقم زدند. اگرچه دنگ را مسبب رویگردانی اقتصاد چین از جمع‌گرایی اقتصادی کمونیستی و تبدیل آن به یک قدرت عظیم می‌شمرند اما به عقیده دیکوتر، اصلاحات دنگ انعکاسی از تغییراتی بود که مردم خسته از کمونیسم خواستار آن بودند. او می‌گوید: «وجه حزب کمونیست نزد اکثر مردمی که در روستاها زندگی می‌کردند از زمان جهش بزرگ به جلو تخریب شد. زمانی که انقلاب فرهنگی به ساختار حزب لطمه وارد کرد، دیگر چیزی برای اعتقاد مردم روستاها به حزب باقی نماند» (گریفیتس، ۲۰۱۶).

اما اثرات فرهنگی انقلاب فرهنگی در چین غیر قابل انکار است. هم دستان مائو انقلاب فرهنگی را به عرصه هنر و فرهنگ کشور کشاندند. همسر مائو آپراها و نمایشنامه‌هایی را که بازگوکننده دل‌آوری‌های امپراتوران یا قهرمانان باستانی بودند، ممنوع کرد. او فرمان داد که هنر چینی باید با گرامیداشت حزب، کارگران و دهقانان به انقلاب مائوئیستی خدمت کند.



جیان (از اعضای حزب) نخست اتحادیه نمایشنامه‌نویسان دست چپی را تشکیل داد که مروج نمایشنامه‌هایی با رنگ و بوی شدید تبلیغات مائوئیستی بود. سپس جشنواره اپرای پکن را با مضمون‌های معاصر برپا کرد، که شامل سی و هفت اپرای انقلابی جدید در تالار بزرگ خلق پکن می‌شد. نظر بر این بود که این اپراها و نمایشنامه‌ها باید درباره انقلاب و مبارزه طبقاتی باشد و نه درباره مضمون‌های کهنه (امپراتوران، شاهزادگان، سرداران، وزیران، دانشوران، زیبایی‌ها و در راس آن‌ها ارواح و غول‌ها) (پیتروزا، ۱۳۸۵، ص. ۶۸).

در نتیجه این انقلاب رهبران حزب به اشتباه به فرهنگ سنتی خود که ریشه در تاریخ داشت و با خون مردم عجین بود پشت کرده و کوشش کردند فرهنگ سوسیالیستی را حاکم کنند، که ریشه در اعتقادات، باورها و ارزش‌های فرهنگ چینی نداشت. با این وجود باند چهار نفره با بسیج گاردهای سرخ، تلاش کرد با توسل به زور این تفکر را به خورد جامعه بدهد و آنان را از ریشه چندین هزار ساله خود جدا کند (سابقی، ۱۳۸۸، ص. ۶).

اگر بخواهیم ویژگی‌های عمده این دوره را برشماریم می‌توان آن‌را در چند محور زیر خلاصه کرد:

۱. ایدئولوژیک محور

۲. تبلیغ ارزش‌های کمونیستی

۳. نفی نسبی ارزش‌های سنتی مانند کنفوسیوس

۴. شکل‌گیری انقلاب فرهنگی

در این دوره همه مشکلات خودشان را از ارزش‌های سنتی می‌دیدند، لذا برای محو کامل آن می‌کوشیدند.

## ۱-۲. دوره دوم از سال ۱۹۷۸ تا امروز

شکست انقلاب فرهنگی، که همزمان با مرگ مائو و تغییر گسترده در کادر رهبری حزب کمونیست صورت گرفت، زمینه را برای روی کار آمدن نسل دوم از رهبران طرفدار اصلاحات به رهبری دنگ شیائوپینگ، فراهم ساخت. دنگ با همفکری تنی چند از رهبران نوگرای حزب کمونیست با تعیین چشم‌اندازی هفتاد ساله که در سال ۲۰۵۰ چین را در زمره کشورهای پیشرفته جهان ترسیم می‌کرد، زمینه اصلاحات همه‌جانبه در سیستم حکومتی را با اولویت ایجاد اصلاحات اقتصادی آغاز و مسیر ملت و کشور را تغییر داد. اصلاحات اقتصادی و سیاست درهای باز، که از سال ۱۹۷۹ شروع شد، توسط نسل سوم از رهبران (جیانگ زمین) و نسل چهارم (هوجین تائو) ادامه یافت. در این حال مردمی که از فرهنگ سنتی خودمانده و از فرهنگ اجباری سوسیالیستی رانده شده بودند، با اجرای سیاست درهای باز با فرهنگ وارداتی مهاجمی روبه‌رو شدند که دارای زرق و برق ظاهری و مجهز به فناوری و روش‌های تبلیغاتی جدید بود؛ لذا بر سر دو راهی توسل به فرهنگ گذشته یا پذیرش فرهنگ غرب قرار گرفتند. بحران هویت فرهنگی و احساس حقارتی که برای اولین بار از زمان جنگ تریاک آغاز شده بود، فرهنگ مبتنی بر اخلاق چینی را رودرروی پیچیدگی‌های فرهنگ مادی غرب قرار داد و آن را باچالش روبه‌رو کرد. اصلاحات، تغییرات گسترده‌ای در نظام اقتصادی و وضع قوانین و مقررات تسهیل‌کننده ایجاد کرد و زمینه را برای ورود بخش‌های غیر دولتی و سرمایه‌های کلان خارجی آماده ساخت. شکوفایی و رشد سریع اقتصادی تجاری بیش از حد تصور کنونی و بهبود وضعیت معیشتی مردم شد، و چین را در رأس کشورهای در حال توسعه و جزء قدرت‌های بزرگ اقتصاد جهان قرار داد (سابقی، ۱۳۸۸، صص. ۶-۷).

در واقع اصلاحات دنگ باعث شد تا برخی او را علت تمام موفقیت چین در رسیدن به موفقیت اقتصادی و جایگاه فعلی، بدانند. دنگ به دهقانان اجازه داد بیشتر مواد غذایی تولیدی خود را نگه دارند. او در پذیرش دانشجویان به دانشگاه‌ها تأکید بیش‌تر را بر

قابلیت‌های آموزشی گذاشت تا اعتقاد به ایدئولوژی مائوئیستی. از صنایع سنگین به سوی تولید کالاهای مصرفی‌تر تغییر جهت داد. از همه مهمتر عقاید سرمایه‌داری درباره سود و زیان را وارد چین کرد که باعث شد سطح زندگی مردم به‌طور چشمگیری بهبود یافت. اقتصاد چین سرانجام رو به شکوفایی رفت. جامعه چین شکل بسیار متفاوتی از کمونیسم را پذیرا شد و به نظر می‌رسید دوران مائوئیسم به سر رسیده است. اما اصلاحات اقتصادی به معنای اصلاحات سیاسی نبود. حزب هنوز به شدت جلوی آزادی بیان را می‌گرفت. در ژانویه ۱۹۸۷ پنجاه هزار نفر که خواستار آزادی بیشتر بودند در میدان تیان آن من گرد آمدند؛ اما دولت کوتاه نیامد (پیتروزا، ۱۳۸۵، ص. ۱۶۱).

با به نتیجه رسیدن سیاست اصلاحات در بخش اقتصاد (اولویت اول) و رفع نگرانی‌های دولت از نیازهای مادی بخش بزرگی از جامعه چین و ایجاد رفاه اقتصادی نسبی آقای جورونگ جی، نخست وزیر سابق چین در سال ۲۰۰۱، سخنرانی‌ای که از تلویزیون سراسری این کشور پخش شد، با افتخار اعلام کرد که امروز در چین گرسنه‌ای وجود ندارد، دولت این کشور فاز دوم اصلاحات یعنی اصلاحات فرهنگی را با آغاز هزاره سوم کلید زد. اگرچه دولت چین در طول سه دهه گذشته به شدت مشغول اجرای اصلاحات اقتصادی و بهبود وضعیت معیشتی مردم بود، و تمام توان داخلی و دیپلماسی خارجی خود را برای رسیدن به این هدف به کار گرفته بود، ولی هیچوقت دغدغه رشد و توسعه فرهنگی و آموزشی و احیای فرهنگ و تمدن سنتی را فراموش نکرد و با هر موفقیتی که در زمینه اقتصادی به دست می‌آورد، به تدریج زمینه را برای توسعه فرهنگی فراهم‌تر می‌ساخت (سابقی، ۱۳۸۸، ص. ۷).

می‌توان ویژگی‌های اصلی این دوره را در دو عنوان مهم خلاصه کرد:

- ۱- کم رنگ شدن تبلیغات ایدئولوژیک،
- ۲- جایگزینی ارزش‌های سنتی فرهنگ چینی به جای ارزش‌های کمونیستی.

بنابراین دولت کمونیستی چین در دوره دوم عمر سیاسی خودش پس از به سرانجام رساندن اصلاحات و توسعه اقتصادی، تمام توان خود را در حوزه فرهنگی به کار بست تا بتواند تمدن و فرهنگ چینی را مانند اقتصاد و کالای چینی در سراسر جهان نشر دهد. در همین زمینه دست به اصلاحات فرهنگی زد و به این منظور اصلاحاتی را پشت سر گذاشت.

## ۲. مراحل اجرای اصلاحات فرهنگی در داخل چین

- ۱-۲. این اصلاحات که عملاً از اوایل دهه ۱۹۹۰ کلید خورد، مرحله اول را با تربیت نیروهای مورد نیاز برای به دوش کشیدن بار اصلاحات فرهنگی آغاز کرد که از اجرای اصلاحات اقتصادی مشکل‌تر و حساس‌تر بود. دولت بر اساس ایده «اجازه دهیم صد گل بشکفتد و صد اندیشه با هم به رقابت بپردازند» به فراگیر کردن اخلاق صحیح، آموزش صحیح، احساس قوی نظام، همبستگی فرهنگی و توسعه فرهنگ ملی پرداخت.
- ۲-۲. تغییر و اصلاح ساختار مدیریت سازمان‌های فرهنگی و ایجاد ارتباط قوی بین بخش‌های مختلف فرهنگ، دومین گام بود که پیش‌تر بر اساس مدیریت به شدت متمرکز فرهنگی دولتی پایه‌ریزی شده بود.
- ۳-۲. ادغام مراکز مختلف ولی همسوی فرهنگی در یکدیگر و کاهش نیرو، هزینه و استخدام افراد بر اساس قابلیت و توانایی آنان از طریق برگزاری آزمون و ارزشیابی کاری و تأسیس مراکز جدید بر اساس ساختار و نیازهای جدید بخش فرهنگ بود.
- ۴-۲. تغییر در نگرش به مسائل اقتصاد فرهنگی و اعمال سیاست‌های تضمینی برای توسعه فعالیت‌های فرهنگی بود. بر اساس این سیاست میزان رشد سالانه سرمایه‌گذاری دولت در بخش فرهنگ حداقل به میزان رشد سالانه

اقتصاد، افزایش و درآمد حاصله از فرهنگ دوباره در این زمینه سرمایه‌گذاری شد.

۲-۵. تقویت ساختار فعالیت‌های فرهنگی از طریق اجرای پروژه‌های بزرگ ملی - فرهنگی با بودجه‌های کلان دولتی بود. پروژه‌هایی همچون ساخت فاز دوم ساختمان کتابخانه ملی با یکصد و چهل میلیون دلار، ساختمان سالن تئاتر ملی با بودجه‌ای بالغ بر ۳۲۰ میلیون دلار، ساخت ساختمان عظیم موزه ملی، احداث پایگاه گسترده اطلاع‌رسانی فرهنگی در سراسر کشور و...

۲-۶. اصلاح ساختار قوانین، مقررات و زمینه‌سازی برای بهره‌برداری از ایده‌های مدیریتی، تجارب و سرمایه‌های خارجی جهت تقویت و رشد، مورد نیاز بخش فرهنگ است (سابقی، ۱۳۸۸، صص. ۸-۱۲).

اما این اصلاحات پایان ماجرا نبود. در واقع فاز اول اصلاحات فرهنگی به خوبی انجام شد و چین به مرحله‌ای از توسعه رسید که به فکر جهانی‌سازی فرهنگ خود بود و نهایت سیاست‌های نوینی برای این کار اتخاذ کرد. در همین زمینه آقای سون جیا جنگ، وزیر فرهنگ وقت چین، در یک سخنرانی به دیدگاه‌های چین درباره حضور قدرتمند فرهنگ این کشور در عرصه‌های بین‌المللی چنین اشاره می‌کند: «فرهنگ چین، در قرن بیست و یکم، نوآوری و تعامل سازنده بیشتری با جهان خواهد داشت و دولت تصمیم غیر قابل تغییری اتخاذ کرده است که از نظر فرهنگی، با جامعه جهانی همراهی بیشتری داشته باشد، چون فرهنگ وسیله مهمی برای گسترش ارتباطات است. در قرن بیست و یکم تعامل فرهنگی پدیده مهم و تاثیرگذاری در روابط بین‌المللی است. سیاست درهای باز نه تنها راهی برای بازسازی اقتصادی، بلکه راهنمایی اصولی نیز برای تکامل مستمر فرهنگی است. با عضویت چین در سازمان تجارت جهانی، بخش فرهنگ این کشور با چالش‌ها و فرصت‌های زیادی روبه‌رو شده است. چین نیاز دارد هر چه بیشتر در مورد جهان

بداند و فرهنگ‌ها به‌طور گسترده به فراتر از مرزهای خود و سرتاسر جهان گسترش می‌یابند. فرهنگ جهانی در آینده مجبور به پذیرش مشترکات دیگر فرهنگ‌ها است. البته این به معنای پذیرش سلطه فرهنگی کشوری خاص نیست. چین از جهان فرهنگی متنوع حمایت می‌کند و قطعاً فرهنگ چینی نیز حرف‌ها و ارزش‌های قابل قبول زیادی برای طرح در جهان دارد. همه مردم جهان مسئولیت دارند که در عین حفظ ارزش‌های فرهنگی خود، از ارزش‌های مشترک فرهنگی دیگران نیز آگاه شده و به آن احترام بگذارند.» (سابقی، ۱۳۸۸، صص. ۱۶-۱۷)

### ۳. برنامه‌های دولت چین برای جهانی کردن فرهنگ چینی

در ادامه به مرور برخی از راهکارهای این کشور برای رساندن پیام فرهنگ و تمدن خود به جهان می‌پردازیم.

#### ۳-۱. گسترش زبان چینی:

اساساً زبان یکی از مهمترین ارکان اشاعه فرهنگی برای هر ملتی است. در همین راستا دولت چین نیز در حوزه قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی خود پس از رخوت انقلاب فرهنگی تلاش کرده است تا زبان چینی را به عنوان یکی از مهمترین ارکان سیاست فرهنگی خود تعریف کرده و در راستای ارتقا و گسترش زبان چینی عمل کند.

«از دید دولت چین فراگیر شدن آموزش زبان چینی در جهان از یک سو به گسترش فرهنگ سنتی و تمدن کهن و زبان و ادبیات چین و شناخته شدن بهتر از این کشور در جهان و نیل به هدف تنوع فرهنگی می‌انجامد (شیخ الاسلامی و نوری، ۱۳۹۶، ص. ۵۰۶).

پیش‌بینی‌ها بر این بوده است که تا سال ۲۰۱۰ تعداد زبان‌آموزان چینی به بیش از یکصد میلیون نفر در جهان برسد. اغلب دانشگاه‌های معتبر جهان با راه‌اندازی

کرسی‌های آموزش زبان چینی، به گسترش غیر مستقیم فرهنگ چینی کمک می‌کنند.

### ۲-۳. تأسیس مؤسسه کونفسیوس:

مهمترین وظیفه این مؤسسه که زیر نظر وزارت آموزش چین فعالیت می‌کند، گسترش زبان و فرهنگ چینی در خارج از کشور آغاز شد. بنا بر آخرین گزارش دفتر مرکزی مؤسسه کونفسیوس چین، در سال ۲۰۱۲، مؤسسه‌ها و کلاس‌های کونفسیوس، در حدود ۶۵۵۰۰۰ نفر از دانشجویان را در ۱۰۸ کشور و منطقه از جهان ثبت‌نام کرده‌اند. مؤسسه کونفسیوس و کلاس‌های کونفسیوس که هر دو به نام کونفسیوس فیلسوف باستانی چین نامیده شده است، با هدف زبان و فرهنگ چینی در کشورهای خارجی به فعالیت مشغول هستند.

### ۳-۳. تأسیس مرکز پژوهش‌های چین‌شناسی در جهان:

وظیفه این پروژه، که زیر نظر فرهنگستان علوم اجتماعی چین فعالیت می‌کند، شناسایی و ایجاد ارتباط با مراکز و پژوهشگران خارجی است که در زمینه چین‌شناسی فعالیت می‌کنند. از این راه زمینه‌های مشترک فرهنگی بین چین و سایر کشورهای فراهم می‌شود و با تأمین نیازهای علمی آنان، به فرهنگ این کشور گسترش داده می‌شود.

### ۳-۴. طرح ایده «جهان هماهنگ»<sup>۱</sup>

این ایده که اساساً در مقابل گفتمان «چین به عنوان یک تهدید بالقوه» مطرح شده است، یکی از راهبردهای مهم و سیاست‌های فرهنگی چین در چند سال گذشته بوده است. این راهبرد بر این نکته اشاره دارد که اساساً جهان می‌تواند با فرهنگ‌ها و

---

<sup>۱</sup> harmonious world

گفتمان‌های مختلف به صورت مسالمت‌آمیزی در کنار یکدیگر قرار گرفته و ضمن حفظ منافع خود با هم تعامل نمایند (شیخ‌الاسلامی و نوری، ۱۳۹۶، ص. ۵۰۶). این راهبرد که بیشتر در سیاست خارجی چین مطرح است، چهار محور اصلی دارد: ۱- چندجانبه‌گرایی برای امنیت مشترک، ۲- همکاری برد-برد برای موفقیت مشترک، ۳- همه شمولی برای همزیستی تمام تمدن‌ها و ۴- اصلاحات در سازمان ملل متحد به منظور افزایش کارایی آن (Dellios, ۲۰۰۹, pp. ۹-۱۱). این ایده از لحاظ گفتمان جهانی برای چین حائز اهمیت است، چراکه یک نسخه جهانی ارائه می‌کند و در فضای گفتمان سیاسی می‌تواند افکار را به گفت و گو بگذارد.

### ۳-۵. ورود گردشگران خارجی به چین و سفر گردشگران چینی به خارج:

طبق آمارهای منتشره از سوی دولت چین، صنعت جهانگردی این کشور به ویژه مسافرت چینی‌ها به خارج، سالانه با بیش از سی و هشت درصد رشد روبه‌رو است. پیش‌بینی می‌شد که تا سال ۲۰۲۰ شمار گردشگران چینی از مرز یکصد میلیون نفر در سال هم بگذرد.

### ۳-۶. مبادلات وسیع فرهنگی و برگزاری سال فرهنگی چین در سایر کشورها

یکی از راهبردهای سیاست فرهنگی چین میزبانی چین برای رویدادهای فرهنگی جهانی در داخل چین بوده است. مهمترین این رویدادها نمایشگاه جهانی ۲۰۱۰ شانگهای به نام اکسپو بوده است که میدانی برای نمایش دستاوردهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشورها برای سنجشی از توسعه آن‌ها بوده است. چین توانست با میزبانی مطلوب خود از این رویداد قدرت نرم فرهنگی خود را به رخ بکشد (شیخ‌الاسلامی و نوری، ۱۳۹۶، صص. ۵۰۱۴-۵۱۵). همچنین در خارج نیز چین سال فرهنگی را در کشورهای جهان برگزار کرده است. این سال فرهنگی در سال ۲۰۲۰ با وجود شیوع کرونا در جهان نیز برگزار گردید.



### ۷-۳. گسترش ورزش‌های رزمی چینی:

با گسترش ورزش‌های رزمی همچون ووشو، کونگ فو و... که ریشه در تاریخ و فرهنگ چین دارند، زمینه برای آشنایی هرچه بیشتر مردم جهان با ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی چین بیش از پیش فراهم می‌شود.

### ۸-۳. گسترش طب سنتی و طب سوزنی چین

### ۹-۳. فیلم‌های سینمایی چین

### ۱۰-۳. بین‌المللی کردن پروژه‌های فرهنگی (سابقی، ۱۳۸۸، صص. ۲۰-۲۱)

## ۴. مقررات و قوانین فرهنگی چین

پس از مرور سیر تاریخی تحولات سیاسی و فرهنگی چین در کنار بررسی سیاست‌های این کشور برای توسعه فرهنگی، اکنون به بررسی برخی از مقررات و قوانین فرهنگی چین می‌پردازیم تا به صورت موضوعی با نحوه قانون‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری فرهنگی آن آشنا شویم. از آنجا که حجم مقررات فرهنگی در مصادیق مختلف بسیار زیاد و متنوع است، لذا در این بخش صرفاً به قوانین رسانه‌ای آن می‌پردازیم.

### ۴-۱. مقررات اداری سینما در چین:

در بیش از چهار دهه از تأسیس جمهوری خلق چین، این کشور برای توسعه همه‌جانبه در صنعت سینما گام‌هایی برداشته است. تعداد کثیری فیلم ساخته شده است که نمایانگر تاریخ انقلابی، ساختار سوسیالیستی و روح روزگار است و در تعلیم و تربیت عمومی، رعایت موازین فرهنگی عامه ترویج فرآیند مادی‌گرایی، فرهنگی و ایدئولوژیکی و ترویج مبادلات فرهنگی خارجی، نقش مهمی ایفا می‌کنند. به منظور تقویت مدیریت بخش سینما، هیات دولت مقررات اداری اجرایی سینما را در ۲۹ می ۱۹۹۶ تصویب و صادر کرد. این مقررات شامل تولید، واردات، صادرات،

توزیع و انتشار فیلم‌های سینمایی مستند، علمی، آموزشی و همچنین بخش ساخت فیلم‌های متحرک یا انیمیشن می‌شود.

#### ۴-۲. سانسورینگ:

در چین، قانون کنترل و سانسور فیلم‌ها وجود دارد. تمامی فیلم‌های توزیع شده یا نمایش داده شده در کشور و تمامی فیلم‌هایی که وارداتی یا صادراتی هستند باید کنترل شده و به تأیید کمیته سانسور فیلم و کمیته بررسی مجدد برسند و پروانه نمایش دریافت کنند. این کمیته توسط مقام اداری رادیو، تلویزیون و فیلم اداره می‌شود. فیلم‌هایی که محتوای آنها به قرار زیر باشد، غیر قابل پخش هستند: ضربه به وحدت ملی و انسجام حاکمیت و قلمرو کشور، به خطر انداختن امنیت ملی، معارض با خواسته‌های حاکمیت، دامن زدن به جدایی قومی، افشای اسرار دولت، مروج اعمال منافی عفت، مروج خرافات و خشونت، توهین به افراد (ساک سان، ۱۳۹۰، صص. ۷۴-۷۶).

#### ۴-۳. قوانین و مقررات مدیریت رادیو و تلویزیون:

از زمان تأسیس جمهوری چین در سال ۱۹۴۹، پیشرفت عمده‌ای در رادیو و تلویزیون این کشور صورت گرفته است. تا پایان سال ۱۹۹۶، ۲۸۰۰ ایستگاه تلویزیونی و ۱۳۰۰ ایستگاه رادیویی در سراسر کشور دایر گردید. در شبکه رادیو تلویزیونی ملی ماهواره، امواج کوتاه، کابل برقی و دیگر وسایل فناوری استفاده شده است. این امکانات نقش مهمی در برآوردن تقاضای فرهنگی عمومی مردم ایفا می‌کند. به منظور تسریع روند صنایع رادیو و تلویزیون و تأسیس نظام اداری تضمین‌کننده سیستم اقتصادی بازار سوسیالیستی، هیات دولت مقرراتی در خصوص اداره رادیو تلویزیون در ۱۱ اوت ۱۹۹۷ وضع کرد. این مقررات که در اول سپتامبر ۱۹۹۷ به اجرا درآمد برای تأسیس ایستگاه‌های رادیو تلویزیونی و فعالیت‌هایی از قبیل پوشش خبری، ویرایش، تولید برنامه، پخش و انتقال در قلمرو کشور چین اعمال می‌شود. در چین مقررات تصریح

می‌کند که راه‌اندازی شبکه رادیو تلویزیونی در سطح کشور، فقط در صورت هماهنگی با استانداردهای دولت امکان‌پذیر خواهد بود؛ اما ساختار و توسعه چنین شبکه‌ای باید در سطوح مختلف اجرا شود. در خصوص سانسورینگ نیز مقررات تصریح می‌کند که برنامه‌های رادیو تلویزیون باید توسط ایستگاه‌های رادیو و تلویزیونی و دیگر تولیدکنندگان با داشتن مجوز از مقام مسئول اداره رادیو تلویزیون در سطح استانی ساخته شود و محتوای آنها نباید با قوانین دولتی مغایرت داشته باشد (ساک سان، ۱۳۹۰، صص. ۷۶-۷۸).

#### ۵. دستاورد نیاکان چینی:

به نظر می‌رسد تا به اینجای مقاله کلیتی بسیار مجمل از وضعیت تاریخی و سیاست‌های فرهنگی چین طی چند دهه اخیر توضیح داده شده است؛ اما برای تکمیل کار شایسته است توصیفی از نمودهای فرهنگی و سنتی چین صورت گیرد. همان جوهره‌ای که طی هفت دهه حکومت کمونیستی در چین برخوردهای متناقضی با آن صورت گرفته است. تاریخ اواخر دوران جوامع ابتدایی چین، انباشته از افسانه‌هایی بود که حدود سه هزار سال سینه به سینه به نسل‌های بعدی منتقل شده بود تا این که در دوران حاکمیت سلسله جو غربی (۷۷۱ قرن ۱۱ پیش از میلاد) به صورت مکتوب درآمدند. دوران این افسانه‌ها به دوران تاریخ افسانه‌ای باستان، یا دوران اواخر عصر پارینه سنگی است. در آن زمان، مالکیت اموال و دارایی‌های شخصی و تقسیم‌بندی جامعه به فقیر و غنی شکل گرفته و دگرگونی عمده‌ای در باورهای اجتماعی پدید آمده بود. یاندی و هوانگدی (امپراتور زرد) نخستین پدران فرهنگی بینان‌گذار ملت چین در دوران افسانه‌ها به شمار می‌آیند. هر دو از رهبران قبیله در مناطق فلات خاک رسی غرب بودند. هوانگدی ۵ هزار سال قبل و یاندی ۵۰۰ سال پیش از آن به سر می‌برده‌اند. یاندی اغلب معروف به توسعه‌دهنده کشاورزی ابتدایی است. یکی دیگر از دستاوردهای یاندی، توسعه گیاهان دارویی بود.

فرهنگ سنتی چین بر وحدت و همسازی میان طبیعت و انسان تأکید زیادی دارد. از دوران باستان، این یکی از ملزومات غیر قابل انکار اندیشه وحدت جهان و انسان بوده است. نوع دوستی فرهنگ چینی نیز ریشه در دوران یاندی و هوانگدی دارد (چی جی، ۱۳۹۲، صص. ۲۷-۳۱).

### ۱-۵. اژدها، نمادی از ویژگی‌های تلاشگرانه فرهنگ چینی:

واژه اژدها بخشی از نام ترکیبی تعدادی از کوه‌های چین است، مثل کوه لونگ گانگ (تپه اژدها) یا لونگ لینگ (رشته کوه‌های اژدها). معمولاً در جشن بهاره رقص اژدها برگزار می‌شود، و سال اژدها مهم‌ترین سال در بین سلسله سال‌های دوازده‌گانه چین است. معمولاً دیوارها، ستون‌ها، میزها و نیمکت‌های کاخ و لباس امپراتوران با تصاویر اژدها تزیین می‌شوند. آیین‌ها، جعبه‌های جواهرات، گیره‌های موی سر شانه‌ها، لباس‌های سنتی و انواع پرده‌ها نیز به تصویر اژدها مزین می‌شوند. مجسمه‌های بی‌شماری به سبک اژدها ساخته شده‌اند. این امر حتی در فیلم‌ها یا انیمیشن‌های چینی نیز بسیار رؤیت‌پذیر است و یکی از نمادهای فرهنگی خاص چینی اژدها است. حال این نماد چه معانی فرهنگی دارد؟

در فرهنگ سنتی چین، اژدها نماد خوش‌یمنی، قدرت و کامیابی است. بنابراین فرهنگ چینی، فرهنگ اژدها نیز نامیده می‌شود. اژدها نماد ویژه تلاشگرانه فرهنگ چین است. فرزندان یاندی و هوانگدی، بدون در نظر گرفتن نژاد، اعتقادات و محل تولد آنان همگی خود را جانشینان پرافتخار فرهنگ اژدها می‌دانند. همچنین واژه اژدها همراه با پیدایش ملت و فرهنگ چین پدید آمده است. اسناد و مدارک باستانی زیادی این موضوع را تأیید می‌کنند. گروهی از آثار باستانی کشف شده، از جمله اشیای یشمی، سفالی و طرح‌های ساخته شده از صدف‌های حلزونی، متعلق به ۶۰۰۰-۴۰۰۰ سال پیش به دست آمده است که با تصویر اژدها تزیین شده‌اند (ساک سان، ۱۳۹۰، صص. ۵۶-۵۷). علت توضیح این بخش صرفاً اشاره به یکی از نشانه‌های فرهنگی چین بود تا یکی

از مهمترین نمادهای هویت فرهنگی این کشور مورد تأمل قرار گیرد. همان‌طور که در علم نشانه‌شناسی فرهنگی به دنبال نشانه‌ها و رمزگان‌های فرهنگی می‌رویم تا ریشه فرهنگی یک مجموعه را کشف نماییم، ازدها به عنوان یکی از مهمترین نمادهای فرهنگ سنتی چین، چنین موقعیت والایی را در اختیار دارد.

## ۶. نتیجه‌گیری

فرهنگ چین با قدمتی چندین هزار ساله یکی از مهمترین و کانونی‌ترین نقاط تمدنی و فرهنگی جهان محسوب می‌شود. اما آنچه چین را در چند دهه اخیر مهم جلوه داده است و شناخت آن را واجب گردانیده است، موقعیت خطیر اقتصادی، فرهنگی و سیاسی این کشور در عرصه بین‌المللی است. همان‌طور که در این متن تلاش شد تا حقیقت تاریخی چین و تحولات سیاسی- فرهنگی آن نشان داده شود، متوجه می‌شویم که این کشور در ابتدای قرن ۲۰ تا اواسط آن هیچ جایگاه مهم اقتصادی و سیاسی در جهان نداشته است. انقلاب کمونیستی چین به رهبری مائو نقطه عطف تاریخی چین محسوب می‌شود. انقلابی که تمامیت فرهنگی چین نوین را تا به امروز رقم زده است. پس از تغییرات مهمی که در این تاریخ رخ داد دو نگاه عمده به فرهنگ در میان سیاست‌گذاری فرهنگی به وجود آمد؛ نگاه اول دخالت هرگونه امر سنتی و فرهنگی چین در حاکمیت را نفی می‌کرد و اقتصاد حرف نخست را می‌زد و نگاه دوم اشاره به اولویت پیدا کردن فرهنگ در سیاست‌گذاری‌ها و بازگرداندن هویت سنتی و فرهنگی چین به عرصه عمومی بود. در حال حاضر چین با سه فرهنگ متعارض روبه‌رو است: ۱- فرهنگ سنتی و بومی، ۲- فرهنگ غربی و ۳- فرهنگ سوسیالیستی (خضری، ۱۳۸۷، ص. ۸۰) در ادامه مقاله خصوصیات هر کدام از این دو برهه حساس توضیح داده شد و در یک تبارشناسی مشاهده کردیم که چین فقیر و قحطی‌زده چگونه طی چهار دهه تبدیل به یکی از قدرت‌های جدی اقتصادی و فرهنگی در جهان شد. سیاست‌های حاکم برای جهانی‌سازی فرهنگ و تمدن چینی مورد بررسی قرار گرفت و

به برخی از قوانین و خط‌مشی‌های فرهنگی در حوزه رسانه‌های چین پرداخته شد. سرانجام برای تکمیل بحث مسائل فرهنگی و ارتباطی چین، بررسی کوتاهی درباره فرهنگ سنتی چین که همواره محل نزاع حکمرانی در چین بوده است، صورت گرفت. در این بخش توجه دیپلماسی عمومی چین بر گسترش و محبوبیت‌افزایی زبان چینی با وجود تمام سختی‌های نحوی و صرفی این زبان قابل توجه است. دریچه ورود هر فرهنگ و اشاعه فرهنگی در روابط میان فرهنگی مسئله زبان است. به نظر می‌رسد در چند سال اخیر چین و به خصوص کره جنوبی به عنوان دو کشور مهم آسیای شرقی توان دیپلماسی خود را بر مسئله زبان متمرکز کرده‌اند. البته بررسی تطبیقی نحوه اشاعه زبان در دیپلماسی و سیاست فرهنگی هر یک از دو کشور در زمان و موضع دیگر اهمیت تحلیلی و بررسی دارد. از دیگر سیاست‌های فرهنگی مهم چین که مجدد در عرصه سیاست خارجی نیز تبلور یافته است، ایده جهان هماهنگ است که به نوعی راهبرد فرهنگی سیاست خارجی چین را تعیین کرده است. این راهبرد عملاً چین را به تمامی فرهنگ‌ها و سیاست‌های معارض با کمونیسم متصل می‌سازد. این راهبرد می‌تواند روابط و تعاملات چین را با هر فرهنگ و ایدئولوژی تسهیل نماید که مشخصاً می‌توان روابط دوستانه چین با ایران و عربستان که دو رقیبی ایدئولوژیک منطقه‌ای هستند، مثال زد.

یکی از نکات ویژه‌ای که در این مقاله نیز تلاش شده تا آن را مورد توجه قرار دهد این است که اساساً چین عقاید سنتی و اسطوره‌ای خود را بازتولید کرده است و تلاش می‌نماید تا با رفع خفقان دوره‌های اولیه کمونیسم چینی از نیروی بسیج‌کننده ارزش‌های سنتی چین در دیپلماسی و سیاست فرهنگی خود استفاده کند. این می‌تواند الگویی برای سیاست فرهنگی ایران نیز باشد و به جای برخورد گزینشی با میراث تاریخی و سنتی ایران از تمام ظرفیت‌های اسطوره‌ای و سنتی در سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی استفاده شود.


همچنین بررسی مقررات رسانه‌ای چین که به صورت کوتاه در این مقاله توضیح داده شد، نوع خاصی از قوانین هنجاری رسانه‌ها و حقوق رسانه را در چین بازنمایی می‌کند، که نه می‌توان آن را ذیل نظام هنجارین رسانه‌ای شوروی کمونیست قرار داد و نه می‌توان آن را لیبرال و آزاد تلقی کرد. اما آنچه در حوزه تعیین سیاست‌های رسانه‌ای و به خصوص در شبکه‌های اجتماعی چین قابل ذکر است، این نکته است که چین اهمیت اتصال شبکه‌های رسانه‌ای و بسترسازی (ایجاد پلتفرم) جهانی در عرصه دیجیتال را به خوبی درک کرده است و طبق اصل قدرت ارتباطات تلاش کرده است تا زمین بازی رسانه‌ای خود را در آن سوی جهان یعنی آمریکا که رقیب سنتی او است، بگستراند.

با تمام این توضیحات و بررسی‌ها می‌توان نتیجه گرفت چین با پشت سر گذاستن یک فراز و نشیب مهم تاریخی اکنون در بسیاری از حوزه‌های توسعه در قله جهان ایستاده است و خود را به عنوان ابرقدرتی جدید در معادلات جهانی گنجانده است. همان‌طور که پیش‌بینی می‌شود در چند سال آینده چین قطب اول اقتصاد جهان خواهد شد و در کنار توسعه‌های فرهنگی ممکن است جای آمریکا را به عنوان قدرت اول جهان بگیرد؛ لذا شناخت این فرهنگ و عناصر آن در نحوه مواجهه کشورها و به خصوص ایران الزامی است.

### کتابنامه

۱. پیترز، دیوید (۱۳۸۵). *انقلاب فرهنگی چین*. ترجمه: مهدی حقیقت‌خواه، تهران: انتشارات ققنوس
۲. چی جی، چانگ (۱۳۹۲). *فرهنگ سنتی چین*. ترجمه: علی محمد سابقی، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشارات بین‌الملل الهدی.
۳. خضری، رویا (۱۳۸۷). "نقش فرهنگ در جهت‌گیری سیاست خارجی چین". *فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، شماره ۹، از ۷۳-۹۴
۴. سابقی، علی محمد (۱۳۸۸). *مجموعه مقالات چین در آینه فرهنگ (۱)*. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی
۵. ساک سان، گائو (۱۳۹۰). *مؤسسات، مقررات و قوانین فرهنگی چین*. ترجمه: فاطمه فضائی، تهران: انتشارات دبیرخانه عالی انقلاب فرهنگی.
۶. شیخ الاسلامی، محمد حسن و نوری، محمد (۱۳۹۶). *دیپلماسی عمومی (جلد ۲)*. تهران: وزارت امور خارجه اداره چاپ و انتشارات.
۷. مایلی، فائزه (۱۳۹۷). *نقش ابزارهای فرهنگی در گسترش سیاست‌های بین‌المللی قدرت‌های بزرگ از ۱۱ سپتامبر تا کنون مطالعه مقایسه‌ای: آمریکا، چین*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم سیاسی. دانشگاه پیام نور
۸. Dellios, s. (۲۰۰۹). " china's harmonious world (hexie shijie) policy perspective: how Confucian values are entering International society". Bond university: Humanities & social sciences papers.
۹. Griffiths, james. May ۱۷ (۲۰۱۶). "How the Cultural Revolution changed China forever", <https://edition.cnn.com/>, Retrieved ۲۰۲۰/۴/۴ at: <https://edition.cnn.com/۲۰۱۶/۰۵/۱۲/asia/china-cultural-revolution-dikotter/>



سال چهارم، شماره دوم (پیاپی ۸)، بهار و تابستان ۱۳۹۹  ۳۳۴